

نقش نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی در چگونگی ایفای مسئولیت نمایندگان مجلس هفتم

مجید توسلی رکن آبادی*

علیرضا شعبان شمیرانی**

چکیده

مجلس شورای اسلامی یکی از ارکان اصلی اداره کشور است. نمایندگان مجلس در انتخابات سراسری با رأی مستقیم مردم برگزیده می شوند. این نمایندگان از مناطق گوناگون کشور، حوزه های انتخابیه، به مجلس راه می یابند، اما طبق نص قانون اساسی جمهوری اسلامی نماینده همه ملت ایران اند و بر این اساس صلاحیت عام قانون گذاری و نظارت در همه امور کشور را دارند.

اهمیت این تحقیق در آن است که می کوشد نقش نظام انتخاباتی مجلس را، در جایگاه نظام ورودی، در چگونگی ایفای مسئولیت نمایندگان، در جایگاه نظام خروجی، در هفتمین دوره مجلس بررسی کند. در روش تحقیق گردآوری داده ها به روش کتابخانه ای و با ابزار فیش برداری از مشروح مذاکرات جلسات علنی مجلس شورای اسلامی انجام شده است و با روش تحلیل کمی محتوای داده ها، بیش از ده هزار تذکر کتبی نمایندگان به رئیس جمهور و وزرا و بیش از پانصد سؤال نمایندگان از وزرا به عنوان داده خام (متناسب با شاخصه های مذکور در سؤال و فرضیه) تجزیه و تحلیل شده است. یافته های پژوهش نشان می دهد نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی باعث شده است که نمایندگان مجلس هفتم

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، تهران، ایران
(نویسنده مسئول) tavasoli@gmail.com

** کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، گروه علوم سیاسی و روابط
بین الملل، تهران، ایران a.r.shemirani@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۱۲

رویکردی منطقی‌ای را در مقایسه با رویکرد ملی در اولویت قرار دهند، در به‌کارگیری اختیارات قانونی بی‌ثبات باشند و فردگرایی را بیش از جمع‌گرایی و جهت‌همت خود قرار دهند.

کلیدواژه‌ها: نظام انتخاباتی مجلس، مجلس هفتم، رویکرد ملی - منطقه‌ای، فردگرایی - جمع‌گرایی.

۱. مقدمه

طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی، کشور بر اساس قانون اداره می‌شود و نهاد قانون‌گذاری نیز مبتنی بر نظام تک‌مجلسی و متمرکز در مجلس شورای اسلامی است. علاوه بر این، مجلس مسئولیت نظارت بر امور گوناگون کشور و نهادهای حکومتی را برعهده دارد. مروری بر اصول قانون اساسی نشان می‌دهد که مسئولیت خطیر تصمیم‌گیری در گستره ملی برعهده نمایندگان گذارده شده و در تحقیق حاضر تلاش شده است که رابطه قرارگرفتن مجلس در این جایگاه رفیع قانونی با فرایند قانونی انتخاب نمایندگان (نظام انتخاباتی) به منزله یکی از مؤلفه‌ها به سنجه گذارده شود. بررسی ادبیات و پیشینه تحقیق بیان‌گر آن است که بخشی از آثار مرتبط با انتخابات شامل قبل از برگزاری، روز برگزاری و پس از برگزاری انتخابات است و برخی دیگر مرتبط با متتخبان و عملکرد نهادهای شکل‌گیرنده به موجب انتخابات. برخی از موضوعات این آثار عبارت‌اند از: مشارکت در انتخابات، نظرسنجی‌های انتخاباتی، تبلیغات و نقش رسانه‌ها در انتخابات، بنیان‌های نظری انتخابات، نظام‌های انتخاباتی و تأثیر آن بر آرایش‌های سیاسی، هزینه‌های انتخابات، نقش احزاب و جناح‌بندی‌ها در انتخابات، رقابت و مبارزات انتخاباتی، فرایند رأی‌گیری، نظارت بر انتخابات، مطالعات تطبیقی مرتبط با اصل انتخابات، نظام‌ها و قوانین انتخاباتی، حقوق اساسی و مشارکت احزاب و گروه‌ها و شهروندان در انتخابات، جایگاه مجلس و ارکان مرتبط با آن.

اهمیت تحقیق حاضر در آن است که بین نقطه عزیمت نمایندگان در نظام انتخاباتی آن‌ها با نقطه سرانجام در مرحله کارکرد نمایندگان در مجلس پیوند زده شده که به‌مثابه تأثیر نظام ورودی بر نظام خروجی است.

سؤال اصلی آن است که نظام انتخاباتی مجلس چه نقشی در رویکرد ملی - منطقه‌ای نمایندگان و ثبات رفتاری آن‌ها در استفاده از اختیارات قانونی در مجلس هفتم داشته است؟

و سؤال فرعی آن است که نظام انتخاباتی مجلس چه نقشی در رفتار جمعی - فردی نمایندگان داشته است؟

بر اساس فرضیه اصلی تحقیق، نظام انتخاباتی مجلس ویژگی فردمحوری دارد که نقشی منفی در رفتار ملی و باثبات نمایندگان مجلس هفتم داشته است. به طوری که استفاده از اختیارات قانونی با رویکرد منطقه‌ای را نسبت به استفاده از اختیارات قانونی با رویکرد ملی در اولویت قرار داده است و نوعی ثبات در استفاده از اختیارات قانونی را تضعیف کرده است. همچنین بنابر فرضیه فرعی تحقیق، نظام انتخاباتی مجلس نقشی منفی در رفتار جمعی نمایندگان در مجلس داشته است به گونه‌ای که به تقویت فعالیت‌های فردی و تضعیف فعالیت‌های جمعی منجر شده است.

۲. روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله به چهار بخش اساسی تقسیم می‌شود:

(الف) در این تحقیق اطلاعات مربوط به تذکرات نمایندگان به رئیس‌جمهور یا وزرا و همچنین سؤال از وزرا با مراجعه به منبع رسمی مشروح مذاکرات مجلس جمع‌آوری شده است. (از آنجایی که اطلاعات مربوط به متن حدود ۵ درصد از تذکرات کتبی در دسترس نبوده است و یا با اشکالاتی همراه بود آمار اعلامی ۹۵ درصد تذکرات را شامل می‌شود). سپس اطلاعات بر اساس شاخص‌های مذکور در سؤال و فرضیه تحقیق، آنالیز و طبقه‌بندی شده است و در تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش مقوله‌بندی و ارتباطی و در استنتاج فرضیه پژوهش علاوه بر جداول تک‌بعدی از جداول چندبعدی نیز استفاده شده است.

(ب) روش گردآوری داده‌ها کتاب‌خانه‌ای و ابزار آن فیش‌برداری بوده و داده‌ها تحلیل محتوای کمی شده است.

(ج) جامعه آماری همه تذکرات به/سؤالات از مسئولان اجرایی بوده است.

(د) واحد تجزیه و تحلیل نمایندگان و اطلاعات منفرد آنان بوده است، نه مجلس و اطلاعات تجمیعی نمایندگان.

۳. چهارچوب مفهومی

یکی از مسائل مهم با آثار و کارکردهای گوناگون در نظام‌های سیاسی مردم‌سالار، نظام انتخاباتی حاکم بر انتخاب نمایندگان مجلس است.

نظام انتخاباتی همان قواعد به رسمیت شناخته شده است که بیانگر چگونگی تبدیل آرای مردم به مناصب و پست‌های سیاسی است. مجموعه‌ای از قواعد و کاربست‌ها که به موجب آن آرای شهروندان تعیین‌کننده گزینش یا انتخاب مقامات اجرایی و تقنینی به شمار می‌رود (نوذری، ۱۳۸۱: ۱۲۰).

برخی از دانشمندان، در حوزه نهاد‌های مردم‌سالار، چنین استدلال کرده‌اند که نوع نظام انتخاباتی مهم‌ترین مسئله است. مثلاً لیجفارت (Lijphart) نظام انتخاباتی را اصلی‌ترین عنصر قلمداد می‌کند، زیرا از نظر او اولاً نظام انتخاباتی نتایج سیاسی مهمی را در پی دارد و ثانیاً این نظام ماهرانه‌ترین عنصر دست‌کاری سیاست دموکراتیک است. اگر کسی قصد دارد ماهیت دموکراسی خاصی را تغییر دهد نظام انتخاباتی احتمالاً مناسب‌ترین و کارآمدترین ابزار برای انجام چنین کاری خواهد بود (لاندل، ۱۳۸۹: ۲۳).

یکی از وجوه اهمیت نظام انتخاباتی پیامدهای سیاسی مستقیم و غیر مستقیم آن است. به اعتقاد رینولدز (Reynolds) و ریلی (Reily) پیامد سیاسی مستقیم به این مفهوم است که اگر کسی تحت نظامی خاص انتخاب شود ممکن است تحت نظام انتخاباتی دیگر انتخاب نشود و پیامد سیاسی غیر مستقیم آن به این مفهوم است که چه نوع احزاب، نظام‌های حزبی و کابینه‌هایی تشکیل خواهد شد. اما «نهلن» (Nohlen) پیامدی فراتر از آنچه در بالا آمد برای نظام انتخاباتی قائل است و تأکید دارد:

نظام انتخاباتی نوع خاصی از رفتار سیاسی را به وجود می‌آورد و محدودیت‌هایی ایجاد می‌کند. در مجموع نظام انتخاباتی تا حد بسیار زیادی تعیین‌کننده کارآمدی کل نظام سیاسی چه ریاست جمهوری و چه پارلمانی است (همان: ۲۴).

۴. انواع نظام انتخاباتی

از گزینش نظام‌های انتخاباتی در کشورهای گوناگون، سه نظام انتخاباتی مستقل و یک نظام انتخاباتی تلفیقی از آن سه نظام انتخاباتی شناسایی می‌شود که در هر کدام از آن‌ها چگونگی راه‌یابی افراد برگزیده به نهاد حکومتی، از جمله پارلمان، مشخص شده است که به آن فرمول انتخاباتی می‌گویند. انواع نظام‌های انتخاباتی و فرمول آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. نظام انتخاباتی اکثریت نسبی: در این نظام انتخاباتی نامزد یا حزبی که بیشترین آرا را بدون توجه به نسبت کلی آرا از آن خود کرده پیروز است.

۲. نظام انتخاباتی اکثریت: برای انتخاب نامزد در نظام اکثریتی، کاندید باید حداقل ۵۰ درصد کل آرا را به دست آورد.

۳. نظام انتخاباتی نسبی یا تناسبی: در این نظام انتخاباتی سهم کرسی‌هایی که به هر حزب داده می‌شود باید با سهم آرای نامزدهای آن حزب در یک حوزه انتخابیه و یا کل حوزه‌های انتخاباتی در سراسر کشور مساوی باشد.

۴. نظام انتخاباتی مختلط: ترکیبی از فرمول‌های انتخاباتی نظام‌های سه‌گانه فوق است.

دو عنصر مهم در نظام انتخاباتی اندازه حوزه انتخاباتی و ساختار رأی‌گیری است.

۱.۴ اندازه حوزه انتخابیه

یکی از عوامل مهم (با پیامدهای متفاوت) در فرایند قانونی انتخاب نمایندگان پارلمان، که تشکیل‌دهنده نظام انتخاباتی است، اندازه حوزه انتخابیه است. مقصود از اندازه حوزه انتخابیه آن است که از هر حوزه انتخابیه یک یا چند نفر به پارلمان راه پیدا می‌کند. به طور کلی حوزه‌های انتخابیه به دو اندازه تفکیک‌پذیرند: حوزه‌های انتخابیه تک‌کرسی (تک‌نماینده) و حوزه‌های انتخابیه چندکرسی (بیش از یک نماینده).

در حوزه‌های انتخابیه تک‌کرسی معمولاً شناخت و رابطه بین نامزدهای انتخابات و رأی‌دهندگان مستقیم‌تر و بی‌واسطه‌تر از حوزه‌های انتخابیه بیش از یک نماینده است. پیامد این وضعیت را موريس دوورژه (Maurice Duverzh) این‌چنین توضیح می‌دهد:

نفوذ احزاب در تعیین کاندیداها، برحسب وسعت حوزه‌ها، تفاوت می‌کند. هرچه حوزه‌ای وسیع‌تر باشد، تأثیر احزاب بیشتر است. هرچه حوزه کوچک‌تر باشد، دخالت احزاب محدودتر می‌شود. به بیان دیگر اگر قلمرو انتخاباتی توسعه یابد، تماس شخصی بین کاندیداها و رأی‌دهندگان کمتر می‌شود. در این صورت رأی‌دهندگان شخصاً منتخبان خود را نمی‌شناسند. اتیکت سیاسی در این سیستم تعیین حوزه عامل اساسی اخذ رأی می‌شود. از سوی دیگر هرچه حوزه‌ای کوچک‌تر باشد، شناسایی شخص کاندیدا از طرف رأی‌دهندگان ممکن‌تر می‌شود. هرچه مبارزه انتخاباتی بیشتر چهره پیکار شخصیت‌ها را به خود گیرد رأی‌دهنده بهتر می‌تواند با توجه به صلاحیت شخصی آن‌ها تصمیم بگیرد. در این صورت بیشتر به شخصیت کاندیداها توجه می‌کند و کمتر به اتیکت سیاسی آنان. بنابراین ممکن است در حوزه‌های کوچک افراد منفردی نیز کاندیدا شوند، اما در حوزه بزرگ امکان چنین امری نیست (دوورژه، ۱۳۵۷: ۳۸۱).

۲.۴ ساختار رأی‌گیری

این عنصر نشان می‌دهد که رأی‌دهندگان چگونه گزینش خود را بروز می‌دهند. مثلاً این‌که شرکت‌کنندگان در انتخابات به کاندیداهای مشخص رأی می‌دهند و یا به فهرست معرفی شده از سوی احزاب و تشکل‌ها.

تمایز رأی‌فهرستی با رأی فردی واضح است و همانند حوزه‌های انتخابیه تک‌کرسی یا چندکرسی است. در ساختار رأی‌دهی فهرستی جمع‌گرایی حاکم است، تأثیر شخصیت‌ها کم‌رنگ‌تر و توافق بین چند نفر الزامی می‌شود و سیاست‌ها و رویکردها و برنامه‌ها بیش از خصوصیات فردی و شخصی نامزدها ملاک رأی‌دهی قرار می‌گیرد.

همچنین میان رأی‌فهرستی با رأی فردی تمایز مهم دیگری است که بازتاب ملموس آن پس از راه‌یابی نامزدهای نمایندگی به پارلمان مشاهده‌پذیر و مقایسه‌شدنی است.

در تمایل سیاسی افراد مملکت همیشه دو نوع عوامل نقش دارد: ۱. عوامل خاص و محلی و ۲. عوامل کلی و عمومی. تفکیک این عوامل از یکدیگر بسیار دقیق است، زیرا به طور ناآگاه اغلب این عوامل با هم ترکیب می‌شوند. به هر حال هرچه باشد موضوع بیان تأثیر سیستم‌های احزاب و رژیم‌های انتخاباتی است که بعضی از سیستم‌ها موجب گسترش عوامل آرای محلی به ضرر عوامل در سطح مملکتی می‌شوند و بالعکس. سیاست هر پارلمان عمیقاً متفاوت است برحسب آن‌که اعضای آن به علل اساساً محلی انتخاب شده باشند و یا به سبب وضع آنان نسبت به مصالح مهم مملکتی. تضاد در این‌جا بین سیستم تناسبی و رژیم اکثریتی نیست، بلکه بین اخذ رأی برای یک وکیل و یا اخذ رأی برای چند وکیل طبق لیست است (دوورژه، ۱۳۵۷: ۴۰۱-۴۰۲).

وقتی نامزدها از موضع غیر انفرادی (مثلاً حزبی) به عرصه انتخابات وارد می‌شوند و کرسی‌های نمایندگی مجلس را اشغال می‌کنند، اولاً بیش از آن‌که خود را مسئول و پاسخگوی رأی‌دهندگان بدانند در قبال تشکیلات پشتیبانی‌کننده آن‌ها پاسخگویند، ثانیاً کارکرد آن‌ها در مجلس عمدتاً ویژگی کلان‌نگری و رویکرد ملی دارد.

۵. بنیان حقوقی نظام انتخاباتی مجلس

در اصل ششم قانون اساسی به عمومی بودن انتخابات چنین اذعان شده است:

در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید با اتکا به آرای عمومی اداره شود. از راه انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر این‌ها ...

در اصل ۶۲ چگونگی انتخاب نمایندگان مجلس مشخص شده است:

مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که به طور مستقیم و با رأی مخفی انتخاب می‌شوند تشکیل می‌شود.

ذیل این اصل هیچ مؤلفه یا قیدی برای نظام انتخاباتی مشخص نشده، بلکه آن را به مجلس واگذار کرده است:

شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان و کیفیت انتخابات را قانون معین خواهد کرد.

بنابراین بنیان حقوقی نظام انتخاباتی مجلس بر قوانین عادی استوار است که به نام قانون انتخابات از تصویب نمایندگان گذشته است.

۶. نظام انتخاباتی مجلس هفتم

نظام انتخاباتی حاکم بر گزینش نمایندگان مجلس هفتم قانون مصوب هفتم آذر ۱۳۷۸ و اصلاحیه آن مصوب سیزدهم دی ۱۳۷۸ مجلس شورای اسلامی بوده است. بر اساس مواد هشتم و نهم این قانون، در مرحله اول انتخابات کسب بیشترین آرا (با حد نصاب حداقل یک‌چهارم) و در مرحله دوم نظام انتخاباتی اکثریت نسبی ملاک راه‌یابی به مجلس تعیین شده است.

۱.۶ ساختار رأی‌گیری

به موجب ماده ۴۵ قانون انتخابات مجلس، اعلام داوطلبی منحصر به اقدام فردی نامزدهاست و هیچ طریق دیگری، مانند اعلام داوطلبی از جانب احزاب و گروه‌ها، به رسمیت شناخته نشده است:

داوطلبان نمایندگی مجلس باید ظرف هفت روز از تاریخ انتشار دستور شروع انتخابات از طرف وزارت کشور با مراجعه به فرمانداری یا بخشداری مرکز حوزه انتخابیه پرسش‌نامه مخصوص اعلام داوطلبی را دریافت، تکمیل و تسلیم کنند.

ماده ۴۶ نیز بر انصراف فرد داوطلب تأکید دارد:

هریک از داوطلبان نمایندگی مجلس شخصاً و به صورت کتبی می‌تواند انصراف خود را به فرمانداری یا بخشداری مرکز حوزه انتخابیه و یا وزارت کشور اعلام کند و مراتب انصراف

از سوی وزارت کشور فوراً به اطلاع هیئت مرکزی نظارت می‌رسد، عدول از انصراف پذیرفته نمی‌شود.

این وضعیت (تعیین‌کننده بودن شخص کاندیدا) در ماده ۵۵ نیز، که اختصاص به نظارت نامزدها در شعب اخذ رأی دارد، تکرار شده است:

هر یک از نامزدها به تنهایی یا چند نامزد مشترکاً می‌توانند به طریق زیر برای شعب اخذ رأی یک نفر نماینده را به هیئت نظارت حوزه انتخابیه معرفی کنند ...

در تکمیل موارد فوق باید اضافه شود که مفاد مواد بیستم و تبصره یک و دو آن و نیز ماده ۲۱ وجه دیگری از ساختار رأی‌گیری را تعیین می‌کند:

ماده ۲۰: در صورتی که در برگ رأی علاوه بر اسامی نامزدهای تأییدشده، اسامی دیگری نوشته شده باشد، برگ رأی باطل نبوده و فقط اسامی اضافی خوانده نمی‌شود.

تبصره ۱: در صورتی که نام یک داوطلب در برگه رأی مکرر نوشته شده باشد فقط یک رأی برای او محسوب می‌شود.

تبصره ۲: چنانچه آرای ریخته‌شده به صندوق به علت تشابه اسمی نامزدهای انتخاباتی به هیچ وجه قابل تشخیص و تفکیک نباشد به نسبت آرای نامزدهای دارای تشابه اسمی در آن صندوق میان آنان تقسیم می‌شود و در مورد رأی یا آرای باقی‌مانده غیر قابل تقسیم به حکم قرعه عمل خواهد شد.

ماده ۲۱: در صورتی که اسامی نوشته‌شده بیش از تعداد لازم باشد، اسامی اضافی از آخر خوانده نمی‌شود.

این مواد بر این مؤلفه تأکید دارد که شرکت‌کنندگان در انتخابات باید نام نامزدها را در برگه رأی بنویسند و به شخص آنها به تعداد کرسی‌های حوزه انتخابیه رأی دهند و رأی فردی موضوعیت دارد نه رأی فهرستی.

۲.۶ اندازه حوزه‌های انتخابیه

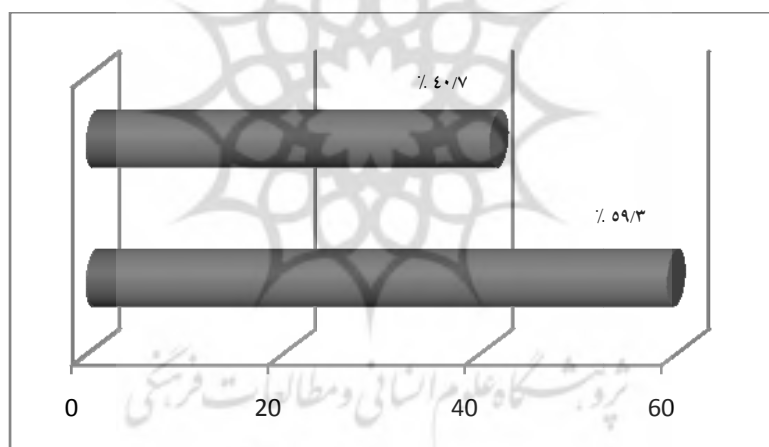
در انتخابات هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی ۲۰۷ حوزه انتخابیه مشخص شده بود که بین استان‌ها و اقلیت‌های دینی گوناگون تقسیم شد. به نحوی که اندازه حوزه‌های انتخابیه در وضعیتی تجمیعی به دو دسته تک‌کرسی و چندکرسی تقسیم می‌شود و حوزه‌های چندکرسی را شش گروه (۲-۶ کرسی) تشکیل می‌دهد که به شرح ارائه‌شده در جدول ۱ است.

جدول ۱. فراوانی و درصد تجمیعی حوزه‌های انتخابیه بر حسب تعداد کرسی نمایندگی

سی‌کرسی	شش‌کرسی	پنج‌کرسی	چهارکرسی	سه‌کرسی	دوکرسی	تک‌کرسی	
۱	۱	۲	۱	۸	۲۲	۱۷۲	
۳۰	۶	۱۰	۴	۲۴	۴۴	۱۷۲	جمع کرسی
۱۰/۳	۲/۱	۳/۴	۱/۴	۸/۳	۱۵/۲	۵۹/۳	درصد کرسی
۴۰/۷						۵۹/۳	سهم تک‌کرسی به چندکرسی

همان‌طور که در جدول ۱ آشکار است ۵۹/۳ درصد حوزه‌های انتخابیه یک کرسی نمایندگی و ۴۰/۷ درصد بیش از یک کرسی نمایندگی در مجلس داشته‌اند. درصد حوزه‌های انتخابیه به تفکیک تعداد کرسی نمایندگی در نمودار ۱ مشخص شده است:

نمودار ۱. درصد حوزه‌های انتخابیه به تفکیک تعداد کرسی نمایندگی



۷. جمع‌بندی یافته‌های مرتبط با متغیر مستقل پژوهش

با واکاوی اصول مرتبط با انتخابات مجلس در قانون اساسی و قانون اجرا شده در انتخابات هفتمین دوره مجلس می‌توان یافته‌های آن را، که توصیف‌کننده متغیر مستقل پژوهش است، به شرح زیر ارائه کرد:

۱. انتخاب نمایندگان مجلس هفتم از نوع «انتخاب مستقیم» بوده که از سوی عموم مردم در سراسر کشور انجام شده است؛

۲. مجلس هیچ محدودیتی در تعیین تعداد و محدوده حوزه‌های انتخابیه و نیز تعداد نمایندگان برگزیده‌شده از هر حوزه نداشته است؛
 ۳. انتخابات مجلس هفتم از دو جهت کاندیداتوری و ساختار رأی‌گیری فردمحور بوده و هیچ موضوعیتی (از حیث قانونی) برای احزاب و گروه‌های سیاسی مد نظر قرار نگرفته است.
 ۴. حدود دوسوم حوزه‌های انتخابیه مجلس هفتم یک کرسی نمایندگی داشته‌اند و یک‌سوم دیگر از حوزه‌های انتخابیه را حوزه‌های چندکرسی (۲۰-۳۰ کرسی) تشکیل داده است. تمایز بین این دو دسته آشکار است؛ خصلت فردمحوری در حوزه‌های انتخابیه تک‌کرسی بسیار بیشتر و قوی‌تر از حوزه‌های انتخابیه چندکرسی امکان تحقق دارد و این به معنای آن است که هرچه حوزه‌های انتخابیه بزرگ‌تر باشد ویژگی جمع‌محوری در نحوه‌گزینش نامزدها از جانب رأی‌دهندگان بیشتر و جدی‌تر تأثیر می‌گذارد.
- در ادامه، موضوعات مربوط به متغیر وابسته پژوهش بررسی می‌شود.

۸. خصوصیات اصول قانون اساسی مرتبط با متغیر وابسته تحقیق

در اصول ۳۸ گانه قانون اساسی (که به قوه مقننه پرداخته شده است) اصول ۶۷، ۷۱، ۷۶، ۸۴ و ۸۸ ارتباط مستقیم و پیوسته‌تری با متغیر وابسته پژوهش دارد. این پنج اصل خصوصیتی دارد که بر اساس آن می‌توان سؤال اصلی، فرعی و فرضیه‌های پژوهش را به آزمون گذارد:

۱۸ گزینش از حوزه انتخابیه - نمایندگی از ملت

نمایندگی پارلمان جنبه فردی و خصوصی ندارد. اعتبار این نمایندگی از جانب بخشی از جمعیت اعطا نشده است، بلکه هر نماینده سند ماهیت خود را از همه ملت دریافت می‌کند. در غیر این صورت اگر نماینده حوزه انتخابیه‌ای را فقط مظهر همان حوزه بدانیم در واقع به اصل تقسیم‌ناپذیری حاکمیت ملی خللی وارد آمده است و حال آن‌که حاکمیت ملی بخش‌ناپذیر و متعلق به همه ملت است، به همین سبب است که نماینده انتخاب‌شده نماینده همه ملت به شمار می‌آید و از جانب کلیت ملت سخن می‌گوید و عمل می‌کند (قاضی، ۱۳۸۷: ۲۴۹).

بر اساس منطق فوق‌الذکر است که هریک از نمایندگان مجلس از طریق نظام انتخاباتی

در محدوده جغرافیایی تعیین شده در قانون انتخابات به نام حوزه انتخابیه برگزیده شده‌اند. حوزه‌های انتخابیه در اندازه‌های متفاوت با جمعیت کم یا زیاد تعریف شده‌اند که واجدان شرایط رأی در محدوده آن‌ها یک یا چند نماینده را برمی‌گزینند و هر نماینده برگزیده شده از حوزه انتخابیه، پس از راه‌یابی به مجلس، نماینده کل ملت ایران است همان‌طور که اصل ۸۴ قانون اساسی به آن تصریح کرده است:

هر نماینده در برابر همه ملت مسئول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر کند.

این خصوصیت که نوعی الزام حقوقی را برای هر نماینده ایجاد می‌کند وی را در جایگاه مسئولیت و به‌کارگیری اختیارات قانونی در جهت امور همه شهروندان در گستره کشور می‌نشانند. اثر کارکردی این خصوصیت لزوم حاکم‌شدن رویکرد ملی بر رفتار نمایندگان و غلبه احساس مسئولیت به کل ملت و درنوردیدن مرزهای جغرافیایی خاص مربوط به حوزه‌های انتخابیه است و اگر هر یک از نمایندگان در استفاده از اختیارات قانونی فقط به امور حوزه انتخابیه خود اهتمام داشته و رویکرد منطقه‌ای بر رفتارشان غلبه داشته باشد گرفتار نوعی انحراف و نقص در مسئولیت شده‌اند و رفتاری تقلیل‌گرایانه را در پیش گرفته‌اند.

از سوی دیگر شمول مسئولیت تک‌تک نمایندگان به گستره کل کشور در متن سوگندنامه‌ای که نمایندگان باید در نخستین جلسه مجلس یاد کنند و سپس آن را امضا کنند تبلور یافته است. در بخشی از این متن نمایندگان در برابر قرآن مجید به خدای قادر متعال سوگند یاد می‌کنند:

همواره به استقلال و اعتلای کشور و حفظ حقوق ملت و خدمت به مردم پای‌بند باشم، از قانون اساسی دفاع کنم و در گفته‌ها و نوشته‌ها و اظهار نظرها استقلال کشور و آزادی مردم و تأمین مصالح آن‌ها را مد نظر داشته باشم (اصل ۶۷).

۲۸ عمومیت داشتن حیطة نمایندگی

به موجب قانون اساسی، اولین وجه تمایز بین مجلس شورای اسلامی و شوراهای شهر و روستا، گستره ملی و منطقه‌ای این دو نهاد قانونی در اتخاذ تصمیمات است. وجه تمایز دیگر حیطة نمایندگی این دو نهاد است. بر خلاف نهاد شوراها که طبق قانون اساسی برای پیشبرد برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی و آموزشی فقط عهده‌دار

امور رفاهی اند (اصل ۱۰۰) حیطة مسئولیت نمایندگان مجلس شورای اسلامی هیچ گونه محدودیتی ندارد:

مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می تواند قانون وضع کند (اصل ۷۱).

مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در همه امور کشور را دارد (اصل ۷۶).
هر نماینده حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر کند (اصل ۸۴).

۳۸ حق سؤال از رئیس جمهور و وزرا

مقامات قوه مجریه از دو رکن نشئت می گیرند: اول، ریاست جمهوری که مستقیماً از جانب ملت برگزیده می شود، دوم، وزرا که مشترکاً از جانب ریاست جمهوری و مجلس برگزیده می شوند. رئیس جمهور با رأی مستقیم مردم برگزیده می شود، اما طبق قانون اساسی در قبال مجلس مسئول و پاسخگوست (اصل ۱۲۲). علاوه بر آن مجلس نه فقط حق سؤال از وی را دارد، بلکه قادر به استیضاح و دادن رأی به بی کفایتی و پیشنهاد عزل وی به رهبری است (اصل ۸۹).

پیوستگی دومین رکن قوه مجریه، وزرا، با مجلس شورای اسلامی بسیار وثیق تر و مؤثرتر از رکن اول است؛ زیرا مجلس هم در نصب وزرا تصمیم نهایی را می گیرد و هم اختیار سؤال از وزرا و عزل آنها از طریق طرح استیضاح را دارد (اصل ۸۹).

در اصل ۸۸ قانون اساسی که مشعر بر حق سؤال نمایندگان مجلس از رئیس جمهور و وزراست چنین آمده است:

در هر مورد که حداقل یک چهارم کل نمایندگان مجلس شورای اسلامی از رئیس جمهور و یا هر یک از نمایندگان از وزیر مسئول درباره یکی از وظایف آنان سؤال کنند رئیس جمهور یا وزیر موظف است در مجلس حاضر شود و به سؤال پاسخ دهد.

۹. کارویژه نظارت مجلس و ابزارهای آن

مجلس شورای اسلامی ایران در زمره مجالسی است که علاوه بر وظیفه قانون گذاری، صلاحیت های گسترده و اثرگذار نظارتی دارد و به این منظور قانون اساسی ابزارهایی را در اختیار نمایندگان قرار داده است که در موارد گوناگون می توانند از این ابزارها بهره گیرند.

مثلاً می‌توان به حق یک‌طرفه عزل رئیس‌جمهور و وزرا از جانب اکثریت نمایندگان مجلس و یا قدرت وتوی یک‌طرفه شخص رئیس مجلس در رد مصوبات هیئت دولت اشاره کرد.

۱۰. انواع اختیار قانونی نمایندگان مجلس

به‌طور کلی در آیین‌نامه داخلی مجلس برای نمایندگان سه دسته اختیار قانونی پیش‌بینی شده است:

۱.۱۰ اختیارات فردی

اختیارات فردی شامل مواردی است که هیچ محدودیتی از لحاظ تعداد نمایندگان برای استفاده از آن اختیارات مد نظر قرار نگرفته و هر نماینده می‌تواند به‌تنهایی از آن اختیارات استفاده کند. در حوزه قانون‌گذاری هیچ موردی از این نوع اختیار که هم قابلیت طرح آن از سوی هر نماینده باشد و هم قابلیت به جریان‌افتادن در فرایندهای قانونی بدون موافقت اکثریت نمایندگان را داشته باشد قرار ندارد. اما در حوزه نظارت هر نماینده قادر به استفاده از اختیار قانونی در دو مورد تذکر کتبی به مسئولان اجرایی و سؤال از وزارت و دیگر نمایندگان هیچ تأثیری در به‌جریان‌افتادن آن در مجاری و چرخه امور مجلس ندارند.

۲.۱۰ اختیارات جمعی

اختیارات جمعی شامل مواردی است که حد نصاب مشخصی حتی برای استفاده اولیه از آن (که طرح تقاضاست) در نظر گرفته شده است و نمایندگان به‌تنهایی و یا کمتر از حداقل پیش‌بینی شده در آیین‌نامه داخلی نمی‌توانند از آن استفاده کنند. در حوزه قانون‌گذاری ارائه طرح برای تصویب قانون از جمله مهم‌ترین آن است و در حوزه نظارت سؤال از رئیس‌جمهور، استیضاح رئیس‌جمهور و وزرا.

۳.۱۰ اختیارات فردی - جمعی

این اختیار ماهیتی ترکیبی دارد و شامل مواردی است که در دو مرحله و به دو شیوه متفاوت استفاده می‌شود. در مرحله اول، هر نماینده به‌تنهایی می‌تواند از این اختیار به‌مثابه تقاضا استفاده کند. در مرحله دوم و نهایی، این تقاضا در صورتی آثار حقوقی و قانونی پیدا می‌کند

و در فرایندهای پیش‌بینی شده به جریان می‌افتد که اکثریت نمایندگان با آن موافقت کنند. در حوزه قانون‌گذاری ارائه انواع پیشنهاد درباره طرح‌ها و لوایحی که با تصویب مجلس به قانون تبدیل می‌شود از این سنخ اختیار محسوب می‌شود و در حوزه نظارت نیز تحقیق و تفحص از دستگاه‌های گوناگون این ماهیت ترکیبی را دارد که هر نماینده به‌تنهایی می‌تواند تقاضای تحقیق و تفحص کند لیکن در صورتی این تقاضا و جاهت قانونی پیدا می‌کند که اکثریت نمایندگان به این تقاضا رأی مثبت دهند.

با توجه به آنچه در بالا ذکر شد و از آنجایی که موضوع این تحقیق بر اطلاعات انفرادی نمایندگان و نه اطلاعات تجمیعی آن‌ها تمرکز دارد، آن بخش از رفتار و عملکرد نمایندگان به منزله داده و اطلاعات خام برای پژوهش حاضر در نظر گرفته شده که از طرف هر نماینده به‌تنهایی قابل استفاده باشد و در صورت تقاضای آن و جاهت قانونی می‌یابد و در صورتی منتفی می‌شود که نماینده تقاضای پیگیری آن انصراف دهد. این موارد عبارت‌اند از: تذکر کتبی به مسئولان اجرایی اعم از رئیس‌جمهور و وزرا و نیز سؤال از وزرا.

۱۱. جایگاه حقوقی تذکر کتبی به مسئولان اجرایی و سؤال از آن‌ها

قانون آیین‌نامه داخلی مجلس در فصل دوم که به «نظارت» اختصاص یافته است در ذیل بحث دوم (نحوه بررسی اصول ۸۸ و ۷۶ قانون اساسی) به سه ابزار و روش برای اعمال نظارت قانونی بر مسئولان قوه مجریه، الف) تذکر کتبی به مسئولان اجرایی، ب) سؤال از رئیس‌جمهور و یا وزرا و ج) تحقیق و تفحص در امور گوناگون اشاره کرده است که در ادامه فقط به دو مورد اول، که در حیطه پژوهش حاضر است، پرداخته می‌شود:

۱.۱۱ تذکر کتبی به رئیس‌جمهور و یا وزرا

بر اساس آیین‌نامه داخلی مجلس، حق تذکر کتبی نمایندگان به مسئولان قوه مجریه به صلاحیت مجلس در سؤال از رئیس‌جمهور و وزرا بازمی‌گردد:

ماده ۱۹۲: در کلیه مواردی که نماینده یا نمایندگان مطابق اصل ۸۸ قانون اساسی از رئیس‌جمهور یا وزیر درباره یکی از وظایف آنان حق سؤال دارند می‌توانند در خصوص موضوع مورد نظر به رئیس‌جمهور و وزیر مسئول کتباً تذکر دهند. هیئت رئیسه تذکر را به رئیس‌جمهور یا وزیر مربوط ابلاغ و خلاصه آن را در جلسه علنی مجلس بیان می‌کند.

۲.۱۱ سؤال از رئیس‌جمهور و یا وزرا

نص اصل ۸۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر صلاحیت مجلس در سؤال از وزرا دلالت دارد و پایه حقوقی آیین‌نامه داخلی مجلس قرار گرفته است:

ماده ۱۹۳: هر یک از نمایندگان می‌توانند راجع به مسائل داخلی و خارجی کشور از وزیر مسئول درباره وظایف او سؤال کنند. سؤال باید کتبی، صریح و مختصر باشد و به رئیس مجلس داده شود. رئیس مجلس موضوع را در اسرع وقت به کمیسیون تخصصی ارجاع می‌دهد. کمیسیون موظف است حداکثر ظرف یک هفته جلسه‌ای با حضور وزیر و سؤال‌کننده تشکیل دهد. چنانچه وزیر در کمیسیون حاضر نشود و یا در صورت حضور، سؤال‌کننده قانع نشود کمیسیون به هیئت رئیسه اطلاع می‌دهد تا در اولین جلسه علنی سؤال نماینده قرائت و فوراً برای وزیر مربوط ارسال شود و ظرف چهل و هشت ساعت تکثیر و در اختیار نمایندگان قرار گیرد. در صورتی که سؤال به امضای چند نفر باشد نماینده منتخب سؤال‌کنندگان صحبت خواهد کرد.

گفتنی است آنچه در چهارچوب پژوهش حاضر و به‌ویژه متغیر وابسته می‌گنجد اولاً تمرکز بر موضوع تذکر از حیث ملی یا منطقه‌ای بودن و ثانیاً از جهت فردی یا جمعی بودن تذکرات داده‌شده به مسئولان اجرایی است. بنابراین اصولاً این‌که کدام‌یک از نمایندگان، چه تعداد و چه نوع تذکری به کدام‌یک از مسئولان اجرایی داده است و یا نتیجه تذکرات و پاسخ آن چه بوده است از حیطه بررسی این پژوهش خارج است. این موضوع درباره سؤالات نمایندگان نیز صدق می‌کند.

۱۲. مراحل جمع‌آوری داده‌ها و مقوله‌بندی آن

۱.۱۲ تذکر کتبی به رئیس‌جمهور و وزرا

هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۷ خرداد ۱۳۸۳ رسماً شروع به کار کرد و پس از چهار سال با تشکیل ۴۲۸ جلسه علنی در تاریخ ۵ خرداد ۱۳۸۷ به کار خود پایان داد. نمایندگان مجلس هفتم طی چهار سال فعالیت قانونی ۱۰۲۳۹ فقره تذکر کتبی به رئیس‌جمهور و وزرا دادند که خلاصه آن در جلسات علنی مجلس قرائت و متن آن متعاقباً به رئیس‌جمهور و وزرا ابلاغ شد.^۱

ابتدا متن خام همه تذکرات از مشروح مذاکرات استخراج و سپس بر اساس مؤلفه‌های مذکور در سؤالات پژوهش، داده‌ها مقوله‌بندی شد.

در اولین مرحله مقوله‌بندی موضوع تذکرات نمایندگان مجلس به دو دسته تذکرات ملی و تذکرات منطقه‌ای تفکیک شد. مقصود از تذکرات ملی تذکراتی است که گستره شمول آن محدوده جغرافیایی خاصی نیست بلکه می‌تواند در سراسر کشور موضوعیت داشته باشد. به بیان دیگر نماینده یا نمایندگان تذکردهنده فارغ از این‌که از چه حوزه یا حوزه‌های انتخابیه به مجلس راه یافته‌اند موضوع را برای تذکر به رئیس‌جمهور یا وزرا مهم دانسته‌اند. در نقطه مقابل، تذکرات منطقه‌ای قرار دارد که ناظر به مسائل و مشکلات مربوط به محدوده جغرافیایی خاص و به بیان دقیق‌تر حوزه یا حوزه‌های انتخابیه تذکردهنده یا تذکردهندگان است.

نمونه‌ای از موضوع تذکرات ملی عبارت است از:

تخلیفات آزمون دستیاری، چاپ عکس نمایندگان بر تمبرهای نمایشی، جرایم راهنمایی و رانندگی، برخورد با اقدامات تحریک‌آمیز امارات متحده عربی، تعیین تکلیف الخاقیه NPT، مبارزه با توزیع مواد مخدر در مراکز عمومی، نظارت بر قیمت‌ها.

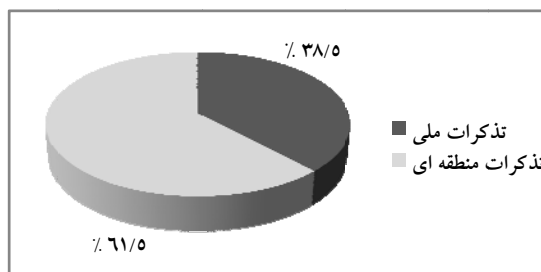
نمونه‌ای از موضوع تذکرات منطقه‌ای عبارت است از:

خسارات وارده بر باغات و کشاورزان شهر کدکن، شهرستان شدن بخش زاوه، نیروی انتظامی جیرفت، عملکرد فرماندار اسدآباد، آموزش قرآن در مدارس خرمشهر، صنایع هواپیماسازی اصفهان، عملیات پروژه راه کلیر به جانانلو، ضعف مدیریت بنیاد شهید لرستان.

دومین مرحله مقوله‌بندی شامل داده‌های آن بخش از پژوهش است که بر جنبه شکلی تذکر (فردی و جمعی بودن) تمرکز دارد و خود بر دو قسم است. نخست داده‌ها بر این اساس تفکیک شده است که آیا تذکر فقط از سوی یک نماینده به رئیس‌جمهور یا وزرا داده شده و یا بیش از یک نماینده؟ دوم این‌که داده‌ها به جای این‌که مبتنی بر تعداد نمایندگان تذکردهنده باشد مبتنی بر تعداد حوزه‌های انتخابیه تذکردهندگان است (که به نظر می‌رسد با اهداف پژوهش حاضر تطبیق بیشتری دارد). در انتهای کار یافته‌های ناشی از مقوله‌بندی فوق به شکل متقاطع هم‌سنجی شد که بیان‌گر آزمون نهایی بخش اول داده‌های پژوهش حاضر است.

۱.۱.۱۲ تذکرات ملی و تذکرات منطقه‌ای

نمودار ۲ بیان‌گر درصد تذکرات کتبی نمایندگان مجلس به رئیس‌جمهور یا وزراست که به تفکیک تذکرات ملی و تذکرات منطقه‌ای ارائه شده است:



نمودار ۲. درصد کل تذکرات نمایندگان به رئیس‌جمهور یا وزرا به تفکیک موضوعات ملی و موضوعات منطقه‌ای

آن‌چنان که مشاهده می‌شود ۶۱/۵ درصد تذکرات منطقه‌ای بوده است و این در حالی است که فقط ۳۸/۵ درصد تذکرات نمایندگان از نوع تذکرات با موضوع ملی بوده است. آمار فوق بیان‌گر فرضیه اصلی پژوهش است که نمایندگان مجلس هفتم در به‌کارگیری از این اختیار قانونی، همت اصلی خود را معطوف به پیگیری مسائل و مشکلات منطقه‌ای کرده‌اند و رویکرد «منطقه‌گرایی» بر رویکرد «ملی‌گرایی» در نزد آنان غلبه داشته است.

۲.۱.۱۲ تذکرات فردی و تذکرات جمعی

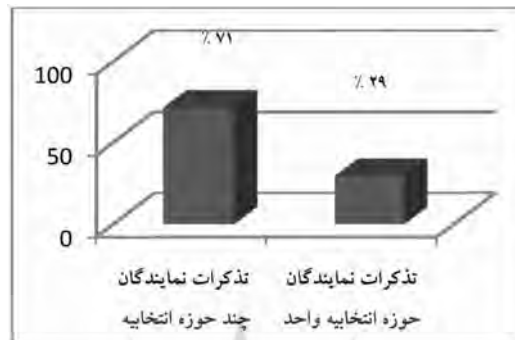
چگونگی استفاده از اختیار قانونی تذکر کتبی به مسئولان اجرایی از جهت فردی یا جمعی اقدام کردن تذکردهندگان وجه دیگری بوده که اطلاعات آن در نمودار ۳ نشان داده شده است:



نمودار ۳. درصد کل تذکرات نمایندگان به رئیس‌جمهور یا وزرا به تفکیک تذکرات فردی و تذکرات جمعی

بر اساس این نمودار ۷۶ درصد تذکرات نمایندگان به شکل فردی به مسئولان اجرایی داده شده است و فقط در ۲۴ درصد موارد بیش از یک نماینده و به شکل مشترک با یک یا چند نماینده دیگر به مسئولان اجرایی تذکر داده‌اند. این مسئله تأییدکننده فرضیه فرعی این پژوهش مبنی بر غلبه «فردگرایی» بر «جمع‌گرایی» در مجلس شورای اسلامی است. وضعیت فوق به شکل دقیق‌تر در نمودار ۴ نشان داده شده است که در آن اطلاعات

مربوط به تذکردهندگان بر اساس این که متعلق به حوزه انتخابیه واحدی بوده‌اند (هرچند بیش از یک نفر) و یا تذکرات نمایندگان چند حوزه انتخابیه مشترکاً به رئیس جمهور یا وزرا داده شده، مقوله‌بندی شده است:



نمودار ۴: درصد تذکرات غیرفردی نمایندگان به رئیس جمهور یا وزرا به تفکیک واحد و غیر واحد بودن حوزه انتخابیه

نتایج نمودار ۴ نشان می‌دهد که ۲۹ درصد از کل تذکرات غیر فردی به مسئولان اجرایی از جانب نمایندگان حوزه انتخابیه واحد داده شده است که می‌تواند ماهیتی غیر جمعی داشته باشد و برعکس ۷۱ درصد از تذکرات از جانب نمایندگان بیش از یک حوزه انتخابیه داده شده که به معنای دقیق و کامل آن، رفتار جمعی در استفاده از اختیارات قانونی برای نمایندگان مجلس محسوب می‌شود.

بر این اساس اگر ملاک منطقی تر و عقلایی تر رفتار جمعی را تلاش مشترک نمایندگان بیش از یک حوزه انتخابیه واحد (و نه صرف عددی تعداد نمایندگان تذکردهنده حتی اگر از یک حوزه انتخابیه باشند) در نظر بگیریم، نتیجه آن می‌شود که در نمودار ۵ به نمایش درآمده است:

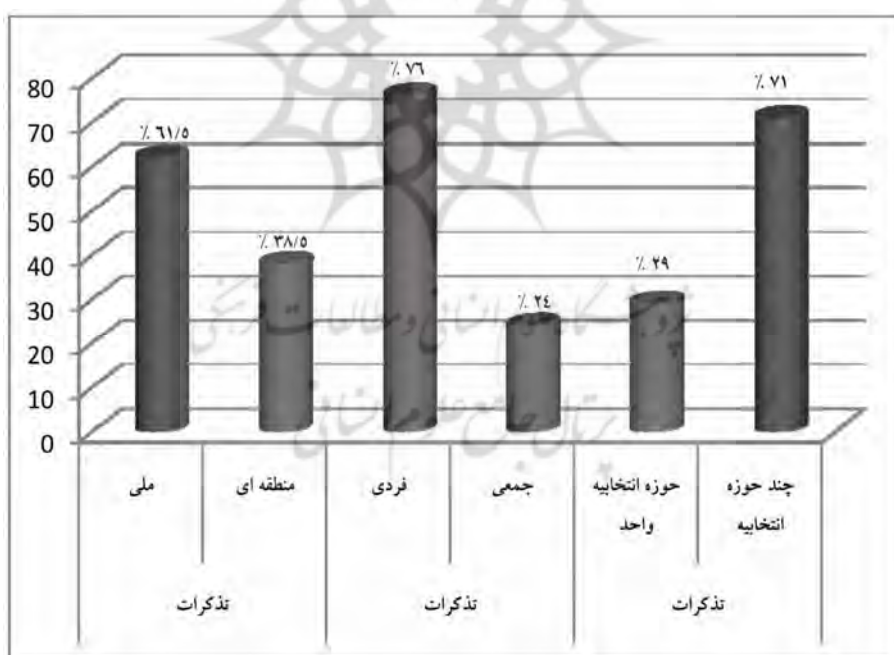


نمودار ۵: درصد متقاطع تذکرات به تفکیک تذکرات فردی و تذکرات جمعی از حوزه انتخابیه واحد و غیر واحد

مقایسه نتایج نمودار ۴ و ۵ وضعیت بغرنج فردگرایی را در استفاده از اختیارات قانونی بیش از پیش در معرض داوری قرار می‌دهد. در حالی که طبق نمودار ۴ از مجموع تذکرات، ۲۴ درصد آن به تذکرات غیر فردی و اسماً جمعی اختصاص یافته است نتایج نمودار ۵ نشان می‌دهد که تذکرات واقعاً جمعی که از سوی نمایندگان چند حوزه انتخابیه به رئیس‌جمهور یا وزرا داده شده کاهش یافته و به ۱۷ درصد کل تذکرات رسیده است.

۳.۱.۱۲ وضعیت مقاطع تذکرات

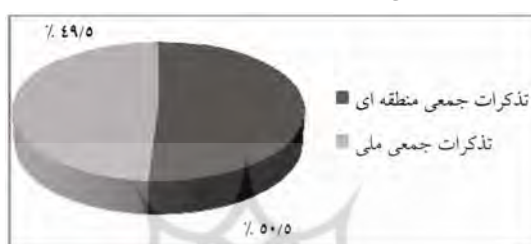
آنچه در نمودار ۳ و ۴ و ۵ به تفکیک ارائه شد به شکل تجمیعی آن در نمودار ۶ ارائه و در نمودارهای ۱-۶، ۲-۶، ۳-۶ و ۴-۶ تقاطع داده شده است تا مشخص شود چه نسبت‌هایی بین تذکرات مقوله‌بندی شده ملی و منطقه‌ای، فردی و جمعی و تذکرات نمایندگان حوزه انتخابیه واحد و تذکرات نمایندگان چند حوزه انتخابیه برقرار است:



نمودار ۶. وضعیت مقاطع تذکرات بر حسب تذکرات ملی و منطقه‌ای، فردی و جمعی، حوزه انتخابیه واحد و چند حوزه انتخابیه



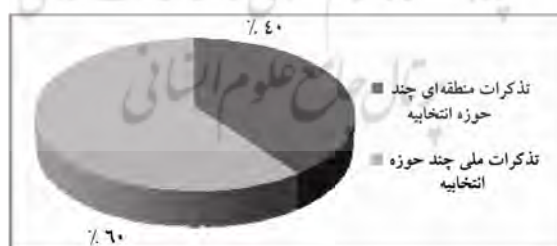
نمودار ۱-۶. وضعیت مقاطع بر حسب تذکرات فردی منطقه‌ای و تذکرات فردی ملی



نمودار ۲-۶. وضعیت مقاطع بر حسب تذکرات جمعی منطقه‌ای و تذکرات جمعی ملی



نمودار ۳-۶. وضعیت مقاطع بر حسب تذکرات منطقه‌ای حوزه انتخابیه واحد و تذکرات ملی حوزه انتخابیه واحد



نمودار ۴-۶. وضعیت مقاطع بر حسب تذکرات منطقه‌ای چند حوزه انتخابیه و تذکرات ملی چند حوزه انتخابیه

یافته‌های کلی نمودارهای فوق به روشنی گویای چگونگی استفاده نمایندگان مجلس هفتم از ابزار قانونی تذکر کتبی به مسئولان اجرایی کشور به شرح زیر است:

۱. کمی بیشتر از یک‌سوم تذکرات (۳۸/۵ درصد) «تذکرات ملی» بوده و اندکی کمتر از دوسوم تذکرات (۶۱/۵ درصد) «تذکرات منطقه‌ای» بوده است؛
۲. در حالی که حدود دوسوم تذکرات «فردی» به امور «منطقه‌ای» اختصاص یافته اما این نسبت درباره تذکرات «جمعی» از نظر اهتمام به امور «ملی» مثبت‌تر و منطقی‌تر شده است به گونه‌ای که حدود نیمی از کل تذکرات «جمعی» به تذکرات «ملی» تعلق گرفته است؛
۳. شصت درصد تذکراتی از سوی بیش از یکی از نمایندگان داده شده به امور ملی اختصاص یافته و بیان‌گر آن است که هر چه استفاده جمعی از اختیارات قانونی از جانب نمایندگان تقویت شده، رویکرد ملی نیز بیشتر مد نظر قرار گرفته و به کاهش منطقه‌گرایی منجر شده است.

۲.۱۲ سؤال از مسئولان اجرایی

به موجب اصل ۸۸ قانون اساسی، نمایندگان مجلس شورای اسلامی اختیار دارند از رئیس‌جمهور و یا هر یک از وزرا درباره یکی از وظایف آنان سؤال کنند. چگونگی و فرایند طرح سؤال از رئیس‌جمهور و یا هر یک از وزرا به موجب مواد ۱۹۲ و ۱۹۳ قانون آیین‌نامه داخلی مجلس مشخص شده است.

۱.۲.۱۲ سؤال از رئیس‌جمهور

طبق نص اصل ۸۸ قانون اساسی، استفاده از اختیار قانونی سؤال از رئیس‌جمهور جنبه مشروط دارد و آن شرط موافقت حداقل یک‌چهارم کل نمایندگان مجلس یعنی ۷۳ نفر است. به بیان دیگر استفاده از این اختیار قانونی ماهیت جمعی دارد و به شکل انفرادی (برخلاف سؤال از وزرا) انجام‌شدنی نیست.

طی چهار سال فعالیت مجلس هفتم، هیچ‌گاه سؤال از رئیس‌جمهور مطرح نشد و در نتیجه عملکردی وجود نداشته است که در پژوهش حاضر به آن پرداخته شود. همچنان که در شش دوره گذشته نیز هیچ‌گاه نمایندگان از این حق قانونی خود استفاده نکردند.

۲.۲.۱۲ سؤال از وزرا

سؤال از هر یک از وزیران در چهارچوب وظایف آنان، برخلاف سؤال از رئیس‌جمهور (که ماهیت کاملاً جمعی دارد) از جانب هر یک از نمایندگان انجام‌شدنی است و نص اصل ۸۸ قانون اساسی به آن اشعار دارد.

از سوی دیگر فرایند تقاضا و رسیدگی به سؤال هر یک از نمایندگان از وزیران در ماده ۱۹۳ آیین‌نامه داخلی مجلس (که در دوره هفتم به اجرا گذاشته شده) مشخص شده است. بر این اساس تقاضای سؤال نماینده یا نمایندگان از هر یک از وزرا، ابتدا در کمیسیون تخصصی مربوط رسیدگی می‌شود، چنانچه وزیر مربوط در کمیسیون تخصصی حاضر نشود و یا نماینده یا نمایندگان سؤال‌کننده پاسخ‌های وزیر را قانع‌کننده تشخیص ندهند خلاصه سؤال از وزیر مربوط در جلسه علنی مجلس قرائت می‌شود. این مرحله اصطلاحاً و در ادبیات رسمی مجلس شورای اسلامی «اعلام وصول سؤال» نامیده می‌شود. پس از آن، سؤال برای وزیر مربوط ارسال می‌شود و در تاریخ مقرر از سوی هیئت رئیسه مجلس، وزیر مربوط موظف به حضور در جلسه علنی و پاسخ به سؤال است. این مرحله در صورتی محقق می‌شود که نماینده یا نمایندگان سؤال‌کننده از سؤال خود منصرف نشده باشند و در صورتی که چنین شده باشد انصراف سؤال از وزیر مربوط در جلسه علنی مجلس اعلام وصول می‌شود. آنچه در پی می‌آید بررسی سؤالات اعلام وصول‌شده نمایندگان مجلس هفتم و نتایج آن از جهت طرح در جلسه علنی مجلس و یا انصراف از سؤال است. یافته‌های این بررسی نیز مرتبط با متغیر وابسته پژوهش حاضر است که به همراه یافته‌های بخش اول (تذکرات کتبی به مسئولان اجرایی) تکمیل‌کننده فرضیه‌های این پژوهش در قبال سؤال اصلی و فرعی خواهد بود.

۱۳. مقوله‌بندی سؤال نمایندگان از وزرا

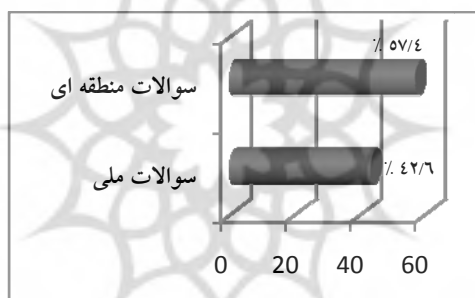
در مجلس هفتم ۵۰۲ فقره سؤال از جانب نماینده یا نمایندگان از وزرا اعلام وصول شده است. پس از استخراج سؤالات اعلام وصول‌شده از مذاکرات مجلس، در مرحله اول داده‌های به دست آمده از حیث شمول گستره موضوع آن به دو دسته سؤالات ملی و سؤالات منطقه‌ای (طبق شرحی که پیش از این درباره تذکرات داده شد) مقوله‌بندی شد. نمونه سؤالات ملی: علت ممنوعیت استفاده از اخبار شبکه «العالم» از جانب خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، جلوگیری از قاچاق فراورده‌های نفتی به خارج از کشور؛ نمونه خام چند سؤال منطقه‌ای: انتقال آب از سرچشمه‌های کارون به رفسنجان، مداخله استاندار آذربایجان شرقی در امور شورای شهر تبریز و اخراج دو عضو آن. همچنین شکل تقاضای سؤال نیز مؤلفه دیگری برای مقوله‌بندی بود که به دو شیوه عمل شد. نخست آن‌که، سؤال انفرادی نمایندگان از وزرا، از سؤال جمعی نمایندگان (بیش از

یک نماینده) تفکیک شد. دوم، سؤال بر حسب این‌که از سوی نماینده یا نمایندگان حوزه انتخابیه واحد یا چند حوزه انتخابیه (مشترک) تقاضا شده است دسته‌بندی شد. اضافه می‌کند که رابطه مقوله‌های ملی و منطقه‌ای، فردی و جمعی و تک‌حوزه انتخابیه و چند حوزه انتخابیه سؤال از وزرا به شکل متقاطع آن نیز مقایسه شد.

مرحله سوم مقوله بندی نشان دادن فرجام سؤالات اعلام وصول شده بود که در سه دسته الف) طرح سؤال در جلسه علنی، ب) اعلام انصراف از سؤال، ج) بدون اقدام، نشان داده شده است؛ و نهایتاً وضعیت متقاطع سؤال نماینده یا نمایندگان از وزرا بر حسب چهار مقوله فوق ارزیابی شد.

با توجه به توضیحات فوق شرح کامل داده‌های مربوط به هریک از موارد فوق در پی می‌آید:

۱.۱۳ سؤالات ملی و سؤالات منطقه‌ای

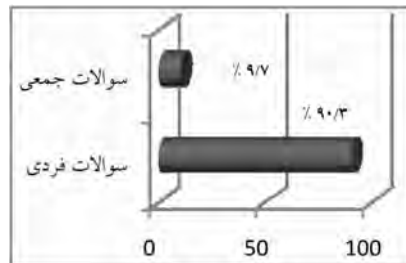


نمودار ۷. درصد سؤالات اعلام وصول شده از وزرا به تفکیک سؤالات ملی و سؤالات منطقه‌ای

نتایج نمودار ۷ حاکی است که نمایندگان مجلس بیش از آن‌که از اختیار قانونی سؤال از وزرا در جهت مسائل و مشکلات «سراسری و ملی» استفاده کرده باشند از این موقعیت در جهت طرح سؤالات «منطقه‌ای» (حوزه انتخابیه راه یافته به مجلس) بهره گرفته اند. به نحوی که ۵۷/۴ درصد سؤالات اعلام وصول شده از نوع سؤالات «منطقه‌ای» و ۴۲/۶ درصد از نوع سؤالات «ملی» بوده است.

۲.۱۳ سؤالات فردی و سؤالات جمعی

تقاضای سؤال از وزرا، گاه از جانب یک نماینده اعلام وصول شده است و گاه از سوی بیش از یک نماینده. نمودار ۸ درصد سؤالات فردی و جمعی را نشان می‌دهد.



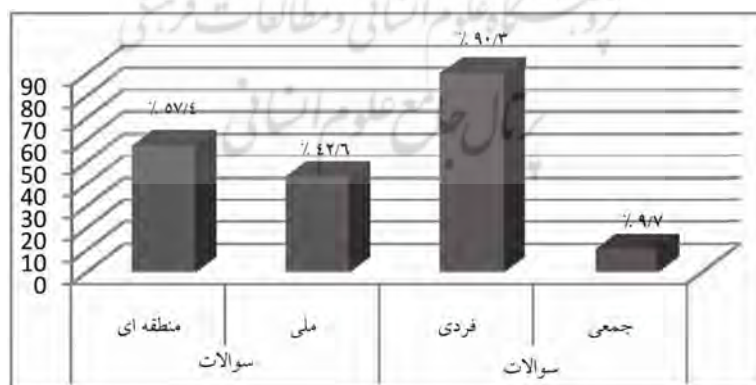
نمودار ۸ درصد سؤالات اعلام وصول شده به تفکیک سؤالات فردی و سؤالات جمعی

بر اساس یافته‌های نمودار فوق ۹۰/۳ درصد سؤالات اعلام وصول شده به شکل فردی یعنی از سوی یک نماینده انجام گرفته و فقط ۹/۷ درصد سؤالات از سوی بیش از یک نماینده اعلام وصول شده است. این نتیجه شاهد مثال دیگری از تقدم فردگرایی بر جمع‌گرایی در بین نمایندگان مجلس هفتم است.

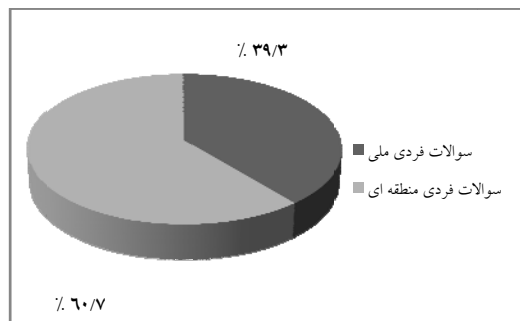
از سوی دیگر از آنجایی که از سؤالات اعلام وصول شده جمعی فقط ۱ سؤال از سوی نمایندگان حوزه انتخابیه واحد صورت گرفته است از ارائه آمار تفکیکی آن با سؤالات اعلام وصول شده نمایندگان چند حوزه انتخابیه خودداری می‌شود.

۳.۱۳ وضعیت متقاطع سؤالات

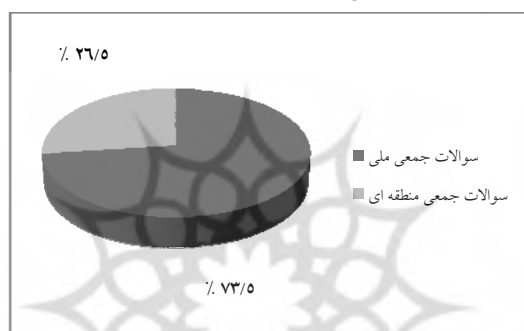
آنچه در نمودار ۷ و ۸ به تفکیک ارائه شد به شکل تجمیعی آن در نمودار ۹ ارائه و در نمودارهای ۱-۹ و ۲-۹ تقاطع داده شده تا مشخص شود چه نسبت‌هایی بین سؤالات مقوله‌بندی شده ملی و منطقه‌ای و فردی و جمعی نمایندگان برقرار است:



نمودار ۹ درصد تجمیعی برحسب سؤالات ملی و منطقه‌ای، فردی و جمعی



نمودار ۱-۹. وضعیت متقاطع برحسب سؤالات فردی ملی و فردی منطقه‌ای



نمودار ۲-۹. وضعیت متقاطع برحسب سؤالات جمعی ملی و جمعی منطقه‌ای

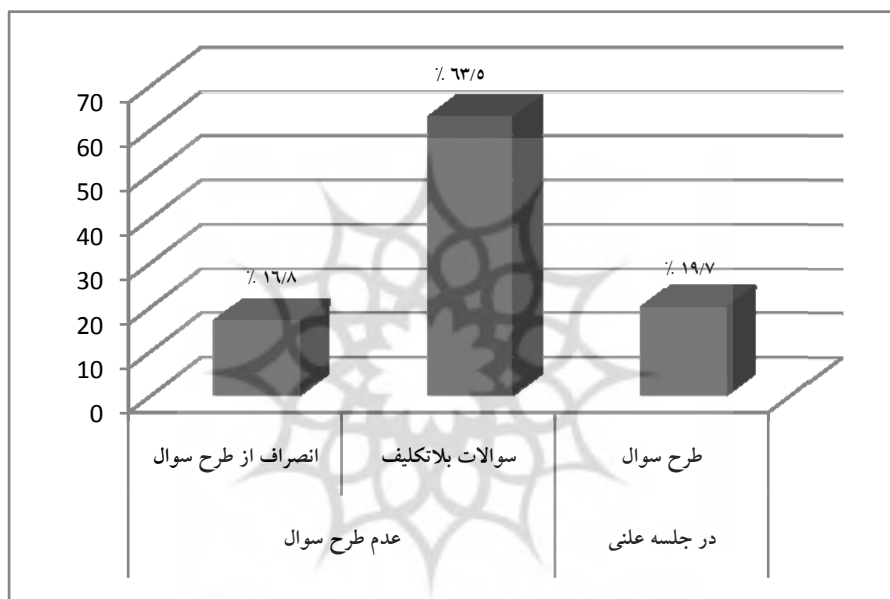
نتایج نمودارهای فوق رابطه بین سؤالات اعلام وصول شده را نشان می‌دهد. این رابطه بسیار گویا و معنادار است به گونه‌ای که سؤالات اعلام وصول شده به شکل جمعی، عمدتاً با رویکرد ملی صورت پذیرفته و اکثریت سؤالات فردی با رویکرد منطقه‌ای اعلام وصول شده است. بر این اساس ۷۳/۵ درصد موضوع سؤالات اعلام وصول شده جمعی رویکرد ملی و ۲۶/۵ درصد آن موضوعات با رویکرد منطقه‌ای داشته‌اند.

همچنین بررسی نتایج سؤالات اعلام وصول شده فردی، نتیجه‌ای متفاوت از سؤالات جمعی داشته است به گونه‌ای که ۶۰/۷ درصد سؤالات فردی با رویکرد منطقه‌ای اعلام وصول شده و فقط ۳۹/۳ درصد سؤالات انفرادی موضوعات ملی داشته‌اند.

۴.۱۳ فرجام سؤال از وزرا

یکی از مؤلفه‌هایی که این پژوهش در قالب سؤال به دنبال یافتن پاسخ آن بوده است میزان ثبات و پایداری نمایندگان در بهره‌گیری از اختیارات قانونی است. مقصود از ثبات در رفتار

آن است که آیا نماینده یا نمایندگان که پس از طی مراحل مقدماتی بررسی در کمیسیون های تخصصی، خواهان اعلام وصول سؤال در جلسه علنی بوده اند تا آخرین مرحله استفاده از این اختیار قانونی که حضور وزیر مربوط در جلسه علنی و دادن پاسخ به سؤال است ثابت قدم مانده اند و یا از سؤال خود منصرف شده و یا اصولاً به طرح سؤال اکتفا کرده و نتیجه آن شده که بخشی از سؤالات اعلام وصول شده در مجلس بی اقدام مانده است؟ نمودار ۱۰ فرجام سؤالات اعلام وصول شده را ارزیابی کرده است:



نمودار ۱۰. وضعیت تقاضای سؤال از وزرا بر حسب فرجام آن

همان طور که نمودار ۱۰ نشان می دهد سؤالات اعلام وصول شده دو فرجام کلی داشته اند:

۱. سؤالاتی که در مجلس مطرح و وزرای مربوط به آن پاسخ داده اند. فقط ۱۹٫۷ درصد سؤالات شامل این دسته بوده است.
۲. سؤالاتی که فرجامی از نوع پاسخ وزیر در مجلس را در پی نداشته است. ۸۰٫۳ درصد سؤالات از این قبیل بوده است که از جهتی می تواند بیانگر ضعف ثبات در رفتار نمایندگان باشد که در قالب انصراف از سؤال و یا عدم پیگیری طرح آن در مجلس جلوه گر شده است. از سوی دیگر در جدول ۲ ارتباط سه مقوله فوق الذکر با فرجام سؤالات اعلام وصول شده به صورت تجمیعی مد نظر قرار گرفته است:

جدول ۲. وضعیت تجمیعی سؤالات تقاطع داده شده ملی و منطقه‌ای و فردی و جمعی با فرجام آنها

درصد فرجام سؤالات			درصد سؤالات جمعی	درصد سؤالات فردی	درصد سؤالات	
بدون اقدام	انصراف از سؤال	طرح در مجلس				
۵۲/۳	۴۷	۴۰	۷۳/۵	۳۹/۳	۴۲/۶	سؤالات ملی
۵۷/۷	۵۳	۶۰	۲۶/۵	۶۰/۷	۵۷/۴	سؤالات منطقه‌ای

آنچه در جدول ۲ درخور توجه است این‌که فقط ۴۰ درصد سؤالات طرح شده در مجلس به سؤالات با رویکرد ملی اختصاص یافته و ۶۰ درصد دیگر رویکرد منطقه‌ای داشته است که در نمودار ۱۱ به طور مستقل نشان داده شده است:

۱۴. جمع‌بندی یافته‌های مرتبط با متغیر وابسته پژوهش

از یافته‌های فوق می‌توان چنین استنتاج کرد:

۱. با توجه به این‌که ۶۱/۵ درصد تذکرات به مسئولان اجرایی و ۵۷/۴ درصد سؤالات اعلام‌وصول شده از وزرا، مرتبط با مسائل منطقه‌ای بوده است و فقط ۳۸/۵ درصد از تذکرات و ۴۲/۶ درصد از سؤالات با رویکرد ملی دنبال شده است می‌توان نتیجه گرفت که نمایندگان بیش از آن‌که خود را نماینده کل ملت بدانند در برابر حوزه انتخابیه‌شان احساس مسئولیت کرده‌اند و رویکردهای منطقه‌ای را به نسبت رویکردهای ملی در اولویت قرار داده‌اند و این امری است که با نص قانون اساسی و منافع کشور ناسازگار است.

۲. مجلس شورای اسلامی «جمع‌گراترین» قوه قانونی اداره‌کننده کشور است، اما رفتار نمایندگان بیشتر «فردگرایانه» بوده است تا «جمع‌گرایانه»، به نحوی که نمایندگان در ۷۶ درصد موارد به شکل انفرادی از ابزار قانونی تذکر و در ۹۰/۳ درصد موارد به شکل انفرادی از ابزار قانونی سؤال استفاده کرده‌اند و این در حالی است که اقدام مشترک و جمعی نمایندگان در تذکر دادن به مسئولان اجرایی ۱۷ درصد (برای چند حوزه انتخابیه) تا ۲۴ درصد (برای حوزه انتخابیه واحد) و سؤال از وزرا ۹/۷ درصد بوده است.

۳. فقط ۱۹/۷ درصد سؤالات اعلام‌وصول شده از وزرا به مرحله طرح در جلسه علنی مجلس رسیده و ۸۰/۳ درصد آن (به دلیل انصراف ۱۶/۸ درصد یا بلا تکلیفی ۶۳/۵ درصد) به مرحله نهایی (پاسخ‌گویی وزرا در مجلس) نرسیده است.

۴. جدول متقاطع این بخش نشان می‌دهد فقط ۳۵ درصد تذکرات فردی رویکرد ملی و ۶۵ درصد آن رویکرد منطقه‌ای داشته است. این در حالی است که هنگامی که این وضعیت به صورت تذکرات جمعی دنبال می‌شود متعادل‌تر می‌شود به گونه‌ای که حدود نیمی از تذکرات جمعی (۴۹/۵ درصد) رویکرد ملی و نیمی دیگر (۵۱/۵ درصد) رویکرد منطقه‌ای داشته‌اند. از سوی دیگر در حالی که نسبت تذکرات ملی نمایندگان یک حوزه انتخابیه به تذکرات منطقه‌ای حدود ۲۵ درصد بوده است این وضعیت درباره تذکرات نمایندگان چند حوزه انتخابیه که با رویکرد ملی صورت پذیرفته ۶۰ درصد در برابر ۴۰ درصد تذکرات با رویکرد منطقه‌ای انجام شده است.

همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد از مجموع سؤالات اعلام وصول شده فقط ۱۸/۵ درصد سؤالات با رویکرد ملی و ۲۰/۶ درصد سؤالات با رویکرد منطقه‌ای به فرجام نهایی، یعنی پاسخگویی وزرا در مجلس، رسیده است.

۱۵. آزمون فرضیه‌ها

یافته‌های مرتبط با متغیر مستقل بیان‌گر «فردمحور» بودن نظام انتخاباتی مجلس هفتم بوده و نتایج چهارگانه فوق (مرتبط با متغیر وابسته) تأییدکننده فرضیات پژوهش حاضر به شرح زیر است:

فرضیه اصلی: نظام انتخاباتی مجلس ویژگی فردمحوری داشته و در رفتار ملی و باثبات نمایندگان در مجلس هفتم نقش منفی داشته است، به طوری که استفاده از اختیارات قانونی با رویکرد منطقه‌ای را نسبت به استفاده از اختیارات قانونی با رویکرد ملی در اولویت قرار داده و ثبات در استفاده از اختیارات قانونی را تضعیف کرده است.

فرضیه فرعی: نظام انتخاباتی مجلس نقشی منفی در رفتار جمعی نمایندگان در مجلس هفتم داشته به گونه‌ای که به تقویت فعالیت‌های فردی و تضعیف فعالیت‌های جمعی منجر شده است.

۱۶. پیشنهادها

آنچه در این پژوهش به آن تأکید شده این است که فرایند قانونی‌گزینش نمایندگان و به طور مشخص نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی به گونه‌ای نیست که الزاماً به سازگاری

مجید توسلی رکن‌آبادی و علیرضا شعبان شمیرانی ۱۰۳

رفتار منتخبان مردم در مجلس با اصول قانون اساسی و منافع و مصالح کشور منجر شود. بر این اساس پیشنهاد می‌شود:

۱. نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی به گونه‌ای اصلاح شود که تعدادی از نامزدهای نمایندگی تحت شرایط نظام انتخاباتی تناسبی انتخاب شوند؛
۲. از تعداد حوزه‌های انتخاباتی تک‌کرسی در مجلس کاسته و بر تعداد حوزه‌های انتخابیه چندکرسی و بزرگ افزوده شود؛
۳. ساختار رأی‌گیری در حوزه‌های انتخابیه از وضعیت کنونی که واجدان شرایط فقط به نامزدها رأی می‌دهند به وضعیت ترکیبی که واجدان شرایط اختیار دارند به نامزدها و یا به فهرست‌های نمایندگی رأی دهند تغییر یابد.

پی‌نوشت

۱. از آنجایی که اطلاعات مربوط به متن حدود ۵ درصد تذکرات کتبی در دسترس نبوده است و یا با اشکالاتی همراه بود، آمار اعلامی ۹۵ درصد تذکرات را شامل می‌شود.

منابع

- دوورژه، موریس (۱۳۵۷). *احزاب سیاسی*، ترجمه رضا علوم، تهران: امیرکبیر.
- قاضی، ابوالفضل (۱۳۸۷). *بایسته‌های حقوق اساسی*، تهران: نشر میزان.
- قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۹.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸.
- قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸.
- لاندل، کریستر (۱۳۸۹). *گزینش نظام انتخاباتی*، ترجمه علیرضا عیاری، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- مشروح مذاکرات جلسات علنی مجلس شورای اسلامی، دوره هفتم، ۱۳۸۷/۳/۳-۱۳۸۳/۳/۷، جلسه اول تا جلسه ۴۲۸.
- نوذری، حسینعلی (۱۳۸۱). *احزاب سیاسی*، تهران: گستره.

منابع دیگر

- ایوبی، حجت‌الله (۱۳۷۷). *سه راهکار برای شایسته‌سالاری در انتخابات*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ایوبی، حجت‌الله (۱۳۸۱). *اکثریت چگونه حکومت می‌کند؟*، تهران: انتشارات صداوسیما جمهوری اسلامی.

غفوری، محمد (۱۳۷۸). «آیین‌های حزبی و آیین‌های انتخاباتی»، *مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، ش ۱۴۷ و ۱۴۸.

کاواناک، دنیس (۱۳۷۹). *مبارزه انتخاباتی*، ترجمه تلاوت عسگری، تهران: انتشارات صداوسیما جمهوری اسلامی.

گلشن‌پژوه، محمدرضا (۱۳۸۸). *بررسی تطبیقی نظام‌های انتخاباتی*، تهران: مؤسسه مطالعات ابرار معاصر. لینودز، آندرو و دیگران (۱۳۹۰). *دانش‌نامه نظام‌های انتخاباتی*، ترجمه ابوذر رفیعی قهساره، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

هاشمی، سیدمحمد (نیمسال تحصیلی ۱۳۸۱-۱۳۸۰). *تقریرات درس نظام‌های انتخاباتی*، تهران: دانشگاه تهران.

Richard Rose (ed.) (2000). *International Encyclopedia of Elections*, London: Macmillan.

Zarak, J.C. (1995). *Les Systems Electrolux*, Paris: Ellipses.

